

**Ferdowsi :**

## **Guardian of the cultural conscience of the land of Iran**

**Dr. Basir Kamjo**

In the history of Iranian culture, names have shone

that are not only remnants of their own time, but also the builders of our identity. Among them, Hakim Abolqasem

Ferdowsi, like a towering peak, stands on the summit of Tajik-Iranian literature and thought; a poet

who is not only the composer of the Shahnameh, but also the guardian of the cultural conscience of a nation.

With the Shahnameh, Ferdowsi created a work that is not merely

a literary epic, but a philosophical-historical map of Tajik-Iranian identity. In an era when external aggressions and cultural impositions threatened to marginalize the language and culture of Iranians (Tajiks

and Persians), he recreated the greatness of Iranian wisdom in the heart of Persian words. His work

was not a repetition of stories, but a profound interpretation of history and a reconstruction of the meaning of "being Iranian"

in the context of a historical crisis.

In the Shahnameh, intellect and ethics, alongside the glory of story

and narrative, have a living presence. Ferdowsi views history not as a series of events, but as a stage for

the test of virtue, wisdom, justice, and humanity. From Rostam to Sohrab, from Siavash to Fereydoun,

each story is a translation of the conflict between power and ethics, pride and humility, determinism and choice. This perspective

has transformed the Shahnameh from an epic work into the book of the philosophy of history of the Iranian nation (Tajiks, Persians, and Kurds ) .

He saved the Persian language from death, but beyond that, he preserved Iranian thought from the danger of extinction. Ferdowsi is not just the preserver of words, but the guardian of our cultural conscience; and the greatness of his work lies in the fact that he connected culture not to a distant past, but to a possible future.

Today, if we speak of an identity crisis, if we seek to rediscover our cultural authenticity and greatness, there is no way but to return to Ferdowsi and continue his path. Because he, through perseverance, wisdom, and love for humanity and the people of Iran, showed that culture lives when it is built upon the foundation of freedom of thought and human dignity. Ferdowsi must be praised, not only for the past he preserved, but also for the horizon he opened for the future.

## فردوسی : پاسدار وجدان فرهنگی ایران زمین

دکتر بصیر کامجو

در تاریخ فرهنگ ایران زمین ، نام‌هایی درخشیده‌اند که نه تنها یادگار دوران خویش، که سازنده‌ی هویت ما بوده‌اند. در این میان، حکیم ابوالقاسم فردوسی، چون قله‌ای سترگ، بر تارک ادب و اندیشه‌ی تاجیک ایرانی ایستاده است؛ شاعری که نه فقط سراینده‌ی شاهنامه، که نگهبان وجدان فرهنگی یک ملت است.

فردوسی با شاهنامه، اثری آفرید که نه صرفاً یک حماسه‌ی ادبی، بلکه نقشه‌ی فلسفی-تاریخی هویت تاجیک ایرانی است. او در دورانی که تهاجم‌های بیرونی و تحمیل‌های فرهنگی می‌رفت که زبان و فرهنگ ایرانیان (تاجیکان و پارسها) را به حاشیه براند، در دل واژگان پارسی، عظمت خرد ایرانی را بازآفرید. کار او، نه تکرار داستانها، بلکه تفسیر عمیق تاریخ و بازسازی معنای "ایرانی بودن" در متن بحران تاریخی بود.

در شاهنامه، عقل و اخلاق، در کنار شکوه داستان و روایت، حضوری زنده دارند. فردوسی تاریخ را نه چون یک سلسله رخداد، بلکه همچون صحنه‌ی آزمون فضیلت، خرد، عدالت و انسانیت می‌نگرد. از رستم تا سهراب، از سیاوش تا فریدون، هر داستان، ترجمانی‌ست از تقابل قدرت و اخلاق، غرور و تواضع، جبر و انتخاب. این نگرش، شاهنامه را از یک اثر حماسی، به کتاب فلسفه‌ی تاریخ ملت ایران (تاجیکها و پارسها و گردها) بدل کرده است.

او زبان فارسی را از مرگ نجات داد، اما فراتر از آن، اندیشه‌ی ایرانی را از خطر خاموشی حفظ کرد. فردوسی، نه فقط حافظ واژگان، که حافظ وجدان فرهنگی ماست؛ و عظمت کار او، در آن است که فرهنگ را نه به گذشته‌ای دور، که به آینده‌ای ممکن پیوند زد.

امروز، اگر از بحران هویت سخن می‌گوییم، اگر به دنبال بازیافت اصالت و بزرگی فرهنگی خویش هستیم، راهی جز بازگشت به فردوسی و تداوم راه او نیست. چرا که او، با ایستادگی، با خردورزی، و با عشق به انسان و مردمان ایران، نشان داد که فرهنگ، هنگامی می‌زید که بر بنیاد آزادی اندیشه و کرامت انسانی بنا شود.

فردوسی را باید ستود، نه فقط برای گذشته‌ای که نگه داشت، بلکه برای افقی که برای آینده گشود.